

لاحق

پیوست شدن یک امر تازه در انجام وجیهه در یک عقد یا بروز یک ادعای جدید در دعوی. پښتو: [لاحق]

لازم العقوبه

مجرمی که مجازات آن حتمی و لازمی بوده و سزاوار هیچگونه عفو و بخشش نباشد. پښتو: [لازم العقوبه]

لامالك

هر چیز بدون مالک و مالی که به کدام شخص اختصاص ندارد. پښتو: [لامالك]

لايحه

مقرراتی که مقامات صلاحیتدار مانند وزارت ها یا اداراتی که در صلاحیت وزارت ها اند، آنها وضع و در معرض اجراء می گذارند. پښتو: [لايحه]

لايحه وظايف

سند رسمی اداره که اهداف، وظایف، مسوولیت ها و ایجابات بست در آن مشخص میگردد.

پښتو: [دندولايحه]

لباس رسمي

لباس مخصوصی که به منظور تمیز موظفین از افراد عادی، ذریعه احکام قانون تعیین گردیده است. پښتو: [رسمي لباس]

لص

شخصی که مرتکب جرم سرقت گردیده باشد. پښتو: [لص]

لعان

حالتی که مردی عمل زنا را به زنش نسبت دهد، شاهی نداشته باشد و زن هم آنها تکذیب نماید. پښتو: [لعان]

لغزائیدن انگشت

لغزائیدن شصت از طرف شخصیکه نشان شصت وی گرفته میشود بروی کاغذ میباشد. خطوط و نقوش این نوع شصت به شکل کشیده به نظر میرسد و فاقد ارزش انگشت شناسی میباشد. پښتو: [دگوتې ښوول]

لغو حکم

الغای احکام قطعی و نهایی محاکم، که به اساس تجدید نظر توسط شورای عالی ستره محکمه صورت گیرد. پښتو: [د حکم لغو]

لغو دستور

اختتام و پایان دادن اجرای یک امر و فرمان نظامی و یا ملکی نافذ و مرعی الاجرا، از طرف مقام صادر کننده دستور و یا مقام مافوق آن. پښتو: [د دستور لغو]

لفظ خاص

لفظی که برای دلالت به یک فرد واحد وضع شده باشد. پښتو: [خاص لفظ]

لفظ عام

لفظی که برای دلالت به یک فرد واحد وضع نشده باشد. پښتو: [عام لفظ]

لفظ مشترك

لفظی که افاده معنی متعدد را مینماید. پښتو: [مشترك لفظ]

لقب

بخشی از اسم شخص، که در مناسبت با اسم خانواده گئی، قوم، حرفه و شغل یک شخص بدان مشهور میباشد. پښتو: [لقب]

لقطه

شی و یا مال یافت شده. پښتو: [لقطه]

لواطت

وطی با انسان مذکر و یا مؤنث به طور غیر طبیعی.
پښتو: [لواطت]

لوحه اعلانات محکمه

لوحه ایکه اعلانات و ابلاغیه های منتشره در روزنامه ها و سایر نشرات در مورد اشخاص و امور مورد نظر، جهت اطلاع مراجعین و اصحاب قضایا در آن نصب میگردد.
پښتو: [د محکمې د اعلاناتو لوحې]

لویه جرگه

عالی ترین مظهر اراده مردم که در مطابقت احکام قانون اساسی، برای تصمیم گیری روی مسایل حاد ملی تدویر میگردد.
پښتو: [لویه جرگه]

لیترآف کريدت

سندی که از طرف یک بانک صادر میشود و صادر کننده در آن موافقه می کند تا حواله ها را طبق شرایط معینه در سند پذیرفته بدهی حساب اعتباری که قبلاً بمیان آمده، معامله کند.
پښتو: [لیترآف کريدت]

لیل

زمانی که از غروب آفتاب شروع شده و الی طلوع آن دوام مینماید.
پښتو: [لیل]